هدف این وبسایت این است که متن رایگان خطابه‌ها و ویدیوهای آنها را در سراسر جهان در اختیار شبانان و میسیونرها قرار دهد، بخصوص برای کشورهای جهان سوم که در آنها فقط چند دانشکده الهیات یا مدارس دینی ممکن است باشد یا اصلأ وجود نداشته باشد.

متن مکتوب این خطابه‌ها و ویدیوها را هر ماه حدود یک و نیم میلیون رایانه در بیش از ۲۲۱ کشور از آدرس اینترنتی [www.sermonsfortheworld.com](http://www.sermonsfortheworld.com) دریافت می‌کنند. صدها نفر دیگر هم ویدیوی آنها را در یوتیوپ تماشا می‌کنند ولی زود از آن دست می‌کشند و به وبسایتمان مراجعه می‌کنند. یوتیوپ افراد را به وبسایتمان هدایت می‌کند. متن دستنویس خطابه‌ها هر ماه به ۳۷ زبان و به ۱۲۰ هزار رایانه ارائه می‌شود. این خطابه‌ها از حق چاپ برخوردار نیستند، در نتیجه واعظین می‌توانند بدون گرفتن اجازه از آنها استفاده کنند. همچنین صدها ویدیو از موعظه‌های دکتر هایمرز و شاگردانش موجود است. [لطفاً اینجا را کلیک کنید تا ببینید که چطور می‌توانید بصورت ماهیانه با مبالغ اهدایی خود در این امر خطیر یعنی گسترش انجیل به تمام جهان حتی ملل مسلمان و هندو به ما کمک کنید](http://www.rlhymersjr.com/donate.html).

هر وقت برای دکتر هایمرز مطلبی می‌نویسید، همیشه کشور محل زندگی خودتان را قید بفرمایید. ایمیل دکتر ‌هایمرز [rlhymersjr@sbcglobal.net](mailto:rlhymersjr@sbcglobal.net) می‌باشد.

**آن کسانی که او را قبول کردند!**

**AS MANY AS RECEIVED HIM!**

(Farsi)

دکتر ر. ل. هایمرز

by Dr. R. L. Hymers, Jr.

خطابه‌ی موعظه شده در کلیسای باپتیست لس آنجلس

عصر روز یکشنبه، ۱۵ آوریل ۲۰۱۸

A sermon preached at the Baptist Tabernacle of Los Angeles

Lord’s Day Evening, April 15, 2018

”به نزد خاصّان خود آمد و خاصّانش او را نپذیرفتند؛ و امّا به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد، که نه از خون و نه از خواهش جسد و نه از خواهش مردم، بلکه از خدا تولّد یافتند“ (یوحنا ۱:۱۱-۱۳).

عیسی در اورشلیم بود. جشن فصح در جریان بود. بسیاری از مردم عیسی را دیدند که معجزاتی بعمل می‌آورد. وقتی آن معجزات را دیدند، ایمان آوردند. اما به او ایمان نیاوردند. به معجزات ایمان آوردند ولی او را باور نکردند. از اینرو ایمانشان بی‌ارزش بود. آنها من را به یاد خیلی از اعضای کلیساهای کریزمتیک یا عطایایی می‌اندازند. ایمانشان بر محور معجزات قرار گرفته است. در واقع معجزه به معنای ”نشانه“ است. آنها همیشه دنبال نشانه‌ها و معجزات هستند. این چیزها کسی را نجات نمی‌دهد.

”لیکن عیسی خویشتن را بدیشان مُؤتَمِنْ نساخت، زیرا که او همه را می‌شناخت. و از آنجا که احتیاج نداشت که کسی دربارهٔ انسان شهادت دهد، زیرا خود آنچه در انسان بود می‌دانست“ (یوحنا ۲۵ ،۲:۲۴).

عیسی می‌توانست درون قلب آنها را ببینید. می‌دانست که هرگز به او اعتماد نکردند. آنها فقط معجزات را باور می‌کردند. می‌دانست که ایمانشان به نشانه‌ها و معجزات نمی‌توانست آنها را نجات بدهد. ”زیرا خود آنچه در انسان بود می‌دانست.“ او قلب ”همه“ را می‌شناسد. او از دل شما با خبر است. او می‌داند که آیا تولد تازه را تجربه کرده‌اید یا نه. قبل از آنکه تولد تازه را تجربه کنید، دل شما آکنده از فساد حاصل از گناه است. کلام خدا می‌فرماید،

”دل‌ از همه‌ چیز فریبنده‌تر است‌ و بسیار مریض‌ است‌...“ (ارمیا ۱۷:۹).

کتاب مقدس به ما نمی‌گوید که عیسی آن شب را کجا گذراند. ولی اندیشمند معروفی به نام نیقودیموس ”در شب نزد عیسی آمد“ (یوحنا ۲ ،۳:۱). حالا به یوحنا ۱:۱۱-۱۳ نگاه کنید،

”به نزد خاصّان خود آمد و خاصّانش او را نپذیرفتند؛ و امّا به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد، که نه از خون و نه از خواهش جسد و نه از خواهش مردم، بلکه از خدا تولّد یافتند“ (یوحنا ۱:۱۱-۱۳).

نجات وقتی می‌آید که شخص گناهکار مسیح را بپذیرد. این سه آیه اساس چگونگی پذیرش او را نشان می‌دهند. در آیه ۱۱، گفته می‌شود که بسیاری از مردم مسیح را نخواهند پذیرفت. بسیاری از مردم به جهنم خواهند رفت. این آیه می‌گوید،

”به نزد خاصّان خود آمد و خاصّانش او را نپذیرفتند“ (یوحنا ۱:۱۱).

اولین کاربرد عبارت ”خاصان خود“ به عالم بشریت در معنای عام دلالت می‌کند. دومین کاربرد ”خاصانش“ به قوم یهود اشاره می‌کند. اگرچه آنها نبوتهای بسیاری درباره او در عهد عتیق خوانده بودند، بخش عمده‌ای از آنها، او را بعنوان مسیح و خداوندشان نپذیرفتند. هم یهودیان و هم نوع بشر در کل مسیح را وقتی به زمین آمد نپذیرفتند – و امروز هم نمی‌پذیرند.

”خوار و نزد مردمان‌ مردود... و مثل‌ كسی‌ كه‌ رویها را از او بپوشانند“

(اشعیا ۵۳:۳).

یک نوع عمل مقتدرانه از سوی خدا لازم است که گناهکاران گمشده را پیش مسیح بیاورد. ولی این موضوع ما را به متن اصلی مان در یوحنا ۱:۱۲ می‌رساند،

”و امّا به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد“ (یوحنا ۱:۱۲).

از این متن می‌توانیم سه نتیجه بگیریم.

**.I اول، توضیح می‌دهم که پذیرفتن مسیح به چه معنایی است.**

واژه یونانی ترجمه شده برای ”پذیرفتن“ واژه ”lambanō“ است. این واژه به معنی ”گرفتن،“ ”قبول کردن،“ و ”کسب کردن“ بکار رفته. همیشه از شما می‌خواهیم که مسیح را بپذیرید. از شما می‌خواهیم که او را قبول کنید. از شما می‌خواهیم که او را کسب کنید، به او اعتماد کنید، او را بعنوان ناجی و خداوندتان قبول کنید.

برای پذیرش مسیح باید او را همانطور که در کتاب مقدس ثبت شده بپذیرید. مسیح عمانوئیل است – یعنی خدا با ما. خدای ظاهر شده در جسم. پسر یگانه خدای پدر. شخص دوم تثلیث که به شباهت یک بشر درآمد. یعنی انسان-خدایی که اکنون در دست راست خدای پدر در آسمان نشسته. بعنوان یک انسان از مریم باکره متولد شد. او خداوند ابدی است – یعنی بدون آغاز و پایانی، پسر جاودانه خدا. چه چیزی برای دریافت کردن هست اگر او را نپذیرید؟ او نجات دهنده است، تنها کسی که می‌تواند گناه شما را بردارد و شما را از گناه تا ابدیت نجات بدهد!

ولی نمی‌توانید عیسی را بپذیرید مگر او را بعنوان پادشاهتان قبول کنید. باید بر زندگی‌تان تسلط داشته باشید. باید خودتان را بدستان او بسپارید. باید خودتان را تسلیم او کنید. باید جسم و روحتان را تسلیم کنید تا مسیح بر آنها حاکم باشد. باید خودتان را تسلیم کنترل او بکنید. باید تسلیم او بشوید و اجازه بدهید که بر أراده، افکار، امیدها و خود زندگی‌تان غالب باشد تا بر آنها کنترل کامل داشته باشد. دیگر نباید بگویید، ”اجازه نمی‌دهیم این شخص بر ما حکومت کند.“ جان کیگن شنید ”تسلیم مسیح شوید! تسلیم مسیح شوید!“ ولی این مسئله باعث نگرانی او شد. او نخواست که ”تسلیم عیسی شود.“ او نخواست که عیسی کنترلش کند. ولی جان بیچاره شده بود. ”عیسی بخاطر من مصلوب شد... ولی من تسلیم او نمی‌شدم. این فکر عذابم می‌داد...“ در آن لحظه جان خودش را تسلیم عیسی کرد. او به خودش گفت، ”باید می‌گذاشتم که بمیرم و بعد مسیح به من حیات بخشید.“ جورج متیسون (۱۸۴۲-۱۹۰۶) این مطلب را بخوبی بیان کرد. سرود او ”خداوند، مرا اسیر خود ساز“ نام دارد.

خداوندا، مرا اسیر خود ساز و بعد من آزاد خواهم شد؛

مجبورم ساز که شمشیرم را تسلیم کنم تا به فاتحی بدل شوم؛

در اضطرابهای این دنیا غرق شدم، وقتی به خود اتکا نمودم؛

در بازوان خود مرا حبس نما و دستانم قوت خواهند یافت.

برای پذیرش مسیح، شما باید او را بعنوان نجات دهنده و پادشاهتان قبول کنید. باید خودتان را به او بسپارید. ای اتفاق باید برای شما بیافتد. آیا خون گرانقدرش گناه شما را پاک کرده؟ آیا به خون او اعتماد کرده‌اید؟ آیا خون او گناه شما را پاک کرده؟ آیا خودتان را به او بعنوان پادشاهتان تسلیم کرده‌اید؟ او را نپذیرفته‌اید تا وقتی او را به چنگ بیاورید و مال خود خطاب کنید. ”پذیرفتن“ او به معنی ”ایمان“ آوردن به اوست – که به معنی اعتماد کردن به او بعنوان نجات دهنده شما و پادشاه شماست. همانطور که مزمور نویس می‌گوید، ”پسر را ببوسید مبادا غضبناک شود و از طریق هلاک شوید... خوشابحال همهٔ آنانی که بر او توکّل دارند“ (مزامیر ۲:۱۲). پسر خدا را ببوسید! خود را تسلیم پسر خدا کنید! به پسر خدا توکل نمایید! ”پذیرش“ پسر خدا یک چنین معنایی دارد!

**.II دوم، درباره قدرتی یاد می‌گیریم که خدا به ما می‌دهد تا پسر او را بپذیریم.**

”و امّا به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند...“

واژه ترجمه شده به ”قدرت“ واژه ”exousia“ است. جیمیسون، فاست و براون می‌گویند، ”این واژه حاکی از... اقتدار و توانایی است. در اینجا یقینا هر دو معنی را شامل می‌شود“ (ص. ۳۴۸). ”پسران خدا“ بهتر ترجمه شده به ”فرزندان خدا“ (نسخه کینگ جیمز). برای پذیرش مسیح باید ایمانتان را بر او قرار بدهید و خودتان را تسلیم او کنید. چطور به فرزند خدا تبدیل می‌شوید؟ با پذیرش و دریافت عیسی مسیح.

وقتی دو ساله بودم، پدرم ما را ترک کرد و دیگر با او زندگی نکردم. وقتی بزرگ می‌شدم، بچه‌های بزرگتر من را دست می‌انداختند. من را مسخره می‌کردند و می‌گفتند، ”رابرت پدر ندارد.“ آن زمان بود که اسمم را به شکل ”رابرت ل. هایمرز، جونیور (کوچک)“ شروع به امضا کردم. اسم پدرم را روی من گذاشته بودند. من اصطلاح ”جونیور“ بعد از اسمم گذاشتم که نشان بدهم من واقعا یک پدر دارم. تا امروز اینکار را کردم. می‌خواستم همه بدانند که من یک پدر دارم! ولی خیلی مهمتر است که خدا را بعنوان پدرتان داشته باشید! هر مرد، زن یا بچه‌ای که عیسی را می‌پذیرد، خدا را بعنوان پدر خودش بدست می‌آورد! اگر امشب اینجا می‌ایستادم و می‌گفتم که من فرزند یکی از روسای جمهور آمریکا بودم، به من حسادت می‌کردید. ولی من بیشتر افتخار می‌کنم بگویم که من فرزند خدا هستم. من عیسی را پذیرفتم و عیسی به من اختیار و قدرت داد تا پسر خدایی باشم که بر تمام عالم حکومت می‌کند!

فرزند پادشاهم من،

فرزند پادشاه:

با عیسی ناجی ام،

فرزند پادشاهم من.

(“A Child of the King” by Harriet E. Buell, 1834-1910).

اگر شما فرزند خدا هستید، خدا شما را خیلی دوست دارد. اگر فرزند خدا هستید، با او در ارتباط هستید، ”شریک طبیعت الهی او.“ اگر فرزند خدا هستید، می‌توانید در هر ساعتی از شب پیش او بیایید و او آنجاست تا شما را کمک و راهنمایی کند. جان کیگن پدر فوق‌العاده ای دارد. او اغلب پدرش را اینطور معرفی می‌کند، ”پدرم دو تا دکترا دارد.“ ولی من می‌توانم چیزهای بیشتری از این درباره پدرم بگویم! پدر زمینی‌ام از دبیرستان فارغ‌التحصیل نشد. ولی پدر آسمانی‌ام پادشاه جهان است!

پدرم از لحاظ منازل و زمینها غنی است،

ثروت جهان را در دستش دارد!

یاقوتها و الماسها، نقره‌ها و طلاها،

صندوقهایش پر هستند از ثروتی بی‌شمار.

فرزند پادشاهم من، فرزند پادشاه:

با عیسی ناجی‌ام، فرزند پادشاهم من.

من پدری زمینی نداشتم که خرج دانشگاه یا مدرسه الهیاتم را بدهد یا برای من ماشین نو بخرد. ولی پدری آسمانی دارم که ”همهٔ احتیاجات [من] را بر حسب دولت خود در جلال در مسیح عیسی رفع خواهد نمود“ (فیلیپیان ۴:۱۳). پدری آسمانی دارم که وعده‌ای شگفت‌انگیز به من داده، ”قوت هر چیز را دارم در مسیح که مرا تقویت می‌بخشد“ (فیلیپیان ۴:۱۳). همه جلال، ستایش و قوت از آن پدرم و پادشاهم که مرا تقویت می‌بخشد و نیازهای زندگی‌ام را پر می‌سازد. داخل جلد زندگینامه‌ام، دکتر کیگن اینطور گفته،

این داستان زندگی شخصی است که لغزید، رنجید و به فلاکت افتاد تا بلند شود و بر موانع بسیاری چیره گردد که به مردم نشان دهد عیسی مسیح می‌تواند به آنها نیز کمک کند!

وی در خانواده‌ای از الکلی‌های شر بزرگ شد – ولی به کسی بدل شد که زندگی هزاران نفر را عوض کرد. در دانشگاه رد شد – ولی ادامه داد تا اینکه سه مدرک دکترا گرفت و ۱۷ کتاب نوشت. سعی کرد یک میسیونر خارجی بشود ولی موفق نشد – با اینحال برگشت تا منشاء قوتی باشد برای مردم سراسر دنیا!

در زمانی که هر کس دیگری دست از اینکار برمی‌داشت، دکتر هایمرز کلیسایی فوق‌العاده غرس نبود که از بیست گروه کاملا متمایز قومی تشکیل شده که در قلب مرکز شهر لس آنجلس قرار گرفته و یک خدمت کلیسایی جهانی که به اقصی نقاط جهان فرستاده می‌شود...

این داستان زندگی دکتر ر. ل. هایمرز است، مردی که برخاست تا ناممکن را ممکن سازد – با وجود تمام ترسها. می‌دانم، چون بیش از چهل سال از نزدیک با او کار کرده‌ام.

– دکتر کریستوفر ل. کیگن.

من فرزند پادشاه هستم!

جوانها، ایمان و اعتمادتان را در عیسی مسیح قرار بدهید. مسیح را بپذیرید و او به شما قوت خواهد داد تا پسران و دختران خدا باشید. زندگی شما را برکت خواهد داد همانطور که زندگی من را برکت داد، با خانه‌ای بزرگ، با کلیسایی فوق‌العاده برای کهانت، با همسری عجیب، دو پسر عزیز و دو نوه دختر زیبا. من فرزند پادشاه هستم!

اگر مسیح را بپذیرید و برای او زندگی کنید، او می‌تواند زندگی شما را به طرقی که دنیا را متعجب خواهد کرد برکت بدهد – چون شما هم فرزند پادشاه خواهید بود. و می‌توانید چنین سرود بخوانید،

فرزند پادشاهم من،

فرزند پادشاه:

با عیسی ناجی ام،

فرزند پادشاهم من،

”به نزد خاصّان خود آمد و خاصّانش او را نپذیرفتند؛ و امّا به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد، که نه از خون و نه از خواهش جسد و نه از خواهش مردم، بلکه از خدا تولّد یافتند“ (یوحنا ۱:۱۱-۱۳).

**.III سوم، درباره تولد تازه‌ای یاد می‌گیریم که وقتی مسیح را می‌پذیریم خدا به ما می‌دهد.**

”که نه از خون و نه از خواهش جسد و نه از خواهش مردم، بلکه از خدا تولّد یافتند“ (یوحنا ۱:۱۳).

در اینجا باید بگویم که رئوس مطالب و افکار اصلی این خطابه را از ”شاهزاده واعظین“، اسپارژن بزرگ اقتباس کردم.

هر کس که به عیسی خداوند اعتماد می‌کند، تولد تازه پیدا می‌کند. برخی از الهیدانان در تعجب هستند که کدامیک اول اتفاق می‌افتد – ایمان یا حیات تازه. من با اسپارژن موافقم. او گفته که ایمان و حیات تازه ”باید همزمان باشند.“ حیات تازه یک اصطلاح الهیاتی است برای تولد تازه. اسپارژن گفت، ”اگر به عیسی مسیح ایمان دارم، لازم نیست بپرسم که حیات تازه دارم یا نه، چون هیچ شخصی نیست که حیات تازه پیدا نکرده باشد و بتواند به خداوند عیسی مسیح ایمان بیاورد؛ و اگر حیات تازه پیدا کردم باید به عیسی ایمان بیاورم، چرا که اگر کسی اینکار را نکند کاملا در گناه مرده است... عمل ایمان نشان می‌دهد که آن شخص حیات تازه پیدا کرده است یا نه.“

ما مسیحی بدنیا نمی‌آییم. همچنین ”به أراده انسان“ هم تولد پیدا نمی‌کنیم. بزرگترین مسیحیان در این دنیا نمی‌توانند ما را تازه بسازند. ما ”با أراده انسانی“ تولد تازه پیدا نمی‌کنیم. ما با أراده و اختیار خودمان هم نمی‌توانیم تولد تازه را کسب کنیم. أراده انسانی قادر به تولید حیات تازه نیست. ما باید از عالم بالا تولد تازه پیدا کنیم. روح‌القدس باید انرژی باشد که وارد ما می‌شود و ما را به موجوداتی تازه تبدیل می‌کند.

جایی که ایمان به عیسی وجود دارد، در آنجا حیات نو پیدا می‌شود. جایی که ایمان نیست، حیات هم نیست. اگر به عیسی مسیح اعتماد کنید، تولد تازه پیدا می‌کنید، ”نه به أراده انسان، بلکه به أراده خدا.“ باید این سوال را از شما بپرسم – آیا مسیح را پذیرفته‌اید؟ بله یا خیر. آیا عیسی مسیح را قبول کرده‌اید؟ آیا فقط به او اعتماد می‌کنید؟ می‌توانید بگویید،

بر مسیح آن صخره محکم می‌ایستم،

هر زمین دیگری مثل شن فرو رونده است؟

آیا به عیسی مسیح اعتماد می‌کنید؟ او را پذیرفته‌اید؟ اگر او را نپذیرفته‌اید، چرا؟ پذیرفتن او اینقدر مشکل است؟ باور کردن حرفهای من یک مسئله است. ولی ایمان آوردن به عیسی مسیح یک مسئله دیگر است. ایمان آوردن به او به معنای اعتماد کردن به اوست. اعتماد کردن به او به معنای پذیرفتن اوست.

اگر دکتر کیگن از شما بپرسد، ”به مسیح اعتماد کرده‌اید؟“ چه جوابی خواهید داد؟ لازم نیست او را ببینید. لازم نیست او را لمس کنید. فقط‌ کافی است که به او اعتماد کنید. دکتر کیگن سعی نمی‌کند شما را فریب بدهد. او می‌خواهد که شما قبول بشوید و من می‌خواهم که تعمید بگیرید. دوست داریم ببینیم که آدمهای مثل شما به عیسی اعتماد می‌کنند. عیسی روی صلیب مرد تا جزای گناه شما را پرداخت کند. شما به او اعتماد می‌کنید؟ عیسی امشب شما را خیلی دوست دارد. به او اعتماد می‌کنید؟ چرا امشب و همین الان به او اعتماد نمی‌کنید؟ می‌گویید، ”می‌خواهم به او اعتماد کنم.“ پس چرا اینکار را حالا انجام نمی‌دهید؟ دنبال هیچ احساسی نگردید. به عیسی نگاه کنید. دنبال یک تجربه عظیم نباشید. به عیسی نگاه کنید. به درون خودتان نگاه نکنید. چیزی درون شما نیست که بتواند نجاتتان بدهد. به افکار خودتان اعتماد نکنید. به خود عیسی اعتماد کنید. عیسی را بپذیرید و او هم شما را می‌پذیرد!

چرا حالا نه؟ چرا حالا نه؟

چرا نباید حالا به ناجی اعتماد کرد؟

چرا حالا نه؟ چرا حالا نه؟

چرا نباید حالا به ناجی اعتماد کرد؟

در این دنیا نتوانستید پیدا کنید

هیچ آرامشی برای ذهن مشوش؛

پیش مسیح بیایید، به او ایمان بیاورید،

آرامش و تسلی را بدست می‌آورید.

چرا حالا نه؟ چرا حالا نه؟

چرا نباید حالا به ناجی اعتماد کرد؟

چرا حالا نه؟ چرا حالا نه؟

چرا نباید حالا به ناجی اعتماد کرد؟

(“Why Not Now?” by Daniel W. Whittle, 1840-1901;

altered by the Pastor).

اعتماد کردن به عیسی کار آسانی است. به آنچه امی زابالاگا گفت گوش بدهید، ”من دنبال یک إحساس بودم یا نوعی تجربه که جای ایمانم را بگیرد... انکار بی‌وقفه عیسی. خودم را ول کردم و انداختم در دستان منتظر نجات دهنده.“ جان کیگن گفت، ”هیچ عمل یا أراده ای از خودم نداشتم، ولی با قلبم، یک آرامش ساده در مسیح، او نجاتم داد.“ امی و جان به عیسی اعتماد کردند. آنها او را پذیرفتند. همین! دعا می‌کنم که امشب به عیسی اعتماد کنید. آمین.

**وقتی برای دکتر هایمرز مطلبی می‌نویسید باید به او بگویید که اهل چه کشوری هستید وگرنه نمی‌تواند جواب ایمیلتان را بدهد.** اگر این خطابه شما را برکت داد، لطفا به دکتر هایمرز ایمیل بفرستید و اینرا به او بگویید. لطفا اینرا هم بگویید که از چه کشوری برای او می‌نویسید – ایمیل دکتر هایمرز این است (اینجا را کلیک کنید) [rlhymersjr@sbcglobal.net](mailto:rlhymersjr@sbcglobal.net). می‌توانید به هر زبانی برای دکتر هایمرز بنویسید، اما اگر می‌توانید به زبان انگلیسی بنویسید. اگر می‌خواهید با پست برای او بنویسید، آدرس او چنین است: P.O. Box 15308, Los Angeles, CA 90015. می‌توانید با شماره تلفن ۳۵۲-۰۴۵۲(۸۱۸) با او تماس بگیرید.

(پایان موعظه)

شما می‌توانید موعظه‌های دکتر ‌هایمرز را هر هفته در اینترنت به این آدرس بخوانید

[www.sermonsfortheworld.com](http://www.sermonsfortheworld.com)

روی "موعظه‌ها به فارسی" کلیک کنید.

این خطابه‌ها از حق چاپ برخوردار نیستند. شما می‌توانید بدون اجازه دکتر ‌هایمرز از آنها استفاده کنید. اما تمام پیامهای ویدیویی دکتر هایمرز و تمام ویدیوهای دیگر از کلیسای ما، از حق چاپ برخوردارند و فقط با گرفتن اجازه قابل استفاده هستند.

آیات خوانده شده پیش از موعظه توسط آقای وسلی هایمرز: مزامیر ۱۴-۲۷:۱.

سرود تک نفره پیش از خطابه توسط آقای بنجامین کینکید گریفیت:

“A Child of the King” (by Harriet E. Buell, 1834-1910).

رئوس مطالب

# آن کسانی که او را قبول کردند!

**AS MANY AS RECEIVED HIM!**

دکتر ر. ل. هایمرز

”و امّا به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد“ (یوحنا ۱:۱۲).

(یوحنا ۲۵ ،۲:۲۴؛ ارمیا ۱۷:۹؛ یوحنا ۲ ،۳:۱؛ ۱:۱۱-۱۳؛ اشعیا ۵۳:۳)

.I اول، توضیح می‌دهم که پذیرفتن مسیح به چه معنایی است،

مزامیر ۲:۱۲.

.II دوم، درباره قدرتی یاد می‌گیریم که خدا به ما می‌دهد تا پسر او را بپذیریم،

فیلیپیان ۱۳ ،۴:۱۹؛ یوحنا ۱:۱۱-۱۳.

.III سوم، درباره تولد تازه‌ای یاد می‌گیریم که وقتی مسیح را می‌پذیریم خدا به ما می‌دهد،

یوحنا ۱:۱۳.